



۲

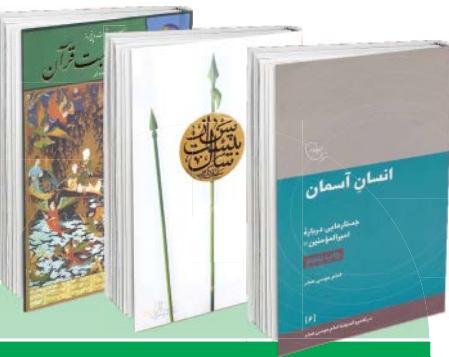
«بلند بالا» از بسیاری
کتاب هاست

|

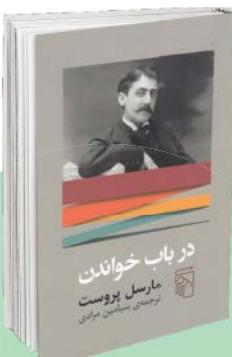
برای «مسعود دیانی» که با قلم و بیانش، دلبری می کرد

شادترین ((مسعود)) جهان

۳

پیشنهادهای نوروزی تحریریه
قفسه کتاب

۴

فهم کتابی یا
کتاب فهمی؟

۵

دیانی اصلاح طلب هم نبود. خط قرمزی در نقد و اندیشه نداشت و اتفاقاً سنت شکن و ضد کلیشه بود. نمی‌گوییم عالم به غیب بود یا همه موضع و پیش‌بینی‌هایش درست بود که اتفاقاً ساعت‌ها محترمانه باهم بحث می‌کردیم و هرگز کار به تکفیر نمی‌رسید.

یادم هست همان اوایل که «سوره» را در شبکه چهاراه انداخته بود هم جلسه گذاشتیم و به او پیشنهاد دادم مواضع مجاهدین خلق (منافقین) در خصوص عاشورا و سخنرانی موسی خیابانی را منعکس کند. انجام داد و کلی فشار را به جان خربد. پیشنهاد دادم تا برنامه سوره را به کتاب تبدیل کند که استقبال کرد ولی انرژی نداشت که خود آغاز کننده این مسیر باشد. چند سال هم مشغول یک دانشنامه برای شهدای مدافعان حرم بود که نمره کارش راندید و البته سایر گلایه‌هایش از دولستانی که توقع داشت از آنها که فقط حالش را پرسند و نپرسیدند، بماند. مسعود عزیز رفیق با سواد اخلاق مدار و شریفی بود. داغ رفتنش سنگین است.

از کتابیم بلند شد. نقدهایش اما برای بهبود اثر بود؛ یادم هست هرجا بوبی از تخریب وحید افرادته می‌داد، تذکر داده بود. برایش توضیح دادم چند جایه عمده این نشان‌ها را گذاشتم تا کتاب بتواند منتشر شود و انگ نخورم، گفت اصلاح‌هم نیست چاپ نکنند؛ تو کاری که درست می‌دانی را نجام بده.

در آخرین دیدار بعد از چاپ کتاب هم قول داد در جلسه نقد و بررسی کتاب حاضر شود (مسعود تو بد قول نبودی که). مسعود عزیز اساساً فقط در برنامه‌های رسمی لباس روحانیت می‌پوشید. همیشه تیپ اسپرت می‌زد و اگر کسی او را نمی‌شناخت اصلاح‌دم نمی‌زد بایک روحانی در حال مباحثه است. به جای حدیث از فیلسوفان و ادبیان نقل قول می‌آورد تا به نظر خود هاله‌ای از قدس ندهد. برنامه منظم مطالعاتی داشت که فلسفه ادبیات و تاریخ در اولویتش بود و عاشق گعده‌های تخصصی بود. مسعود هیچ وقت اصولگرایی و شاید خیلی هانداندکه سال‌ها پیش به خاطر موضع خود از کار بیکار شد و یک بحران بزرگ اقتصادی را پشت سر گذاشت.

درآغاز

برای مسعود دیانی که اهل گفت و گو بود

داعر رفتنش سنگین است

مسعود دیانی را شاید خیلی ها فقط از قاب تلویزیون بشناسند و با ترکیب افرادی که در تشبیع او حضور داشتند و مکان تشبیع و درنهایت لباس روحانیت یک قضایت کلیشه‌ای در رابطه او داشته باشند. مسعود دیانی برای من نخست یک منتقد بی‌رحم بود. این بی‌رحمی بهت حسن است، چراکه سال‌هاست فضای نقد به فضای تعارف و تمجید، تغییر محتوا یافته است. یادم هست وقتی پیش نویس کتاب «من اعتراف می‌کنم» را برای اخذ نظرش به او دادم این نکته را یادآور شد و چنان بر متن شلاق زد که آخ



محمد رحمانی

نویسنده